

مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱

محمد عیسیٰ تفرشی ■

استادیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس □ □

چکیده

در این مقاله تلاش شده است تا مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱ با توجه به بررسی و تحلیل پیشینه تاریخی آن و نظر حقوقدانها تجزیه و تحلیل و مشخص شود. این تحقیق نشان می‌دهد که منظور از واژه «شرکت ایرانی» مندرج در ماده ۲۲۰ ق.ت.، فقط شرکتهای تجاری احصا شده در قانون تجارت است که همگی شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری دارند. اطلاق و عمومیت واژه مذکور فقط در قلمرو حقوق تجارت قابل تفسیر است و شامل شرکت مدنی - اعم از اینکه به امور تجاری یا امور غیر تجاری اشتغال داشته باشد - که شرکا در تشکیل آن قصد تجزیه دارایی خود، استفاده از عنصر شخصیت حقوقی و ایجاد شخص حقوقی ندارند، نمی‌شود. به بیان دیگر، مطلق شرکت مدنی تابع اصول و مقررات حقوق مدنی است. بعلاوه، مضاربه، شرکتهای عملی و شرکتهای تجاری ثبت نشده مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. نیستند.

تفسیری که از ماده ۲۲۰ ق.ت. در این مقاله ارائه شده است با اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظام حقوقی کنونی (پذیرش مشارکت مدنی در نظام بانکداری کشور طبق مقررات قانون مدنی و عدم پذیرش شخصیت حقوقی برای مطلق شرکت مدنی در قانون مالیاتهای مستقیم ۱۳۶۶) سازگار است.

کلید واژگان: شرکت ایرانی، شرکت تجاری، شرکت مدنی، شرکت تضامنی، مسئولیت تضامنی، مسئولیت نسبی.

مقدمه

ماده ۲۲۰ ق.ت. ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد: «هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتی، خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورد و مطابق



مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد....».

نویسندگان حقوق تجارت ما گرچه در پاره‌ای موارد به ماده ۲۲۰ ق. ت. استناد نموده‌اند، راجع به مفهوم و قلمرو آن بحث زیادی نکرده‌اند. لیکن برخی از نویسندگان حقوق مدنی، در بحث از شرکت مدنی به اختصار به تفسیر این ماده پرداخته و شرکت مدنی را در موردی که فعالیت تجاری دارد مشمول حکم ماده یاد شده دانسته‌اند. به عقیده آنان [۷ و ۸]، شرکت مدنی در صورتی که به کار تجارت بپردازد، خود به خود شخصیت حقوقی پیدا می‌کند و در حکم «شرکت تضامنی» است. به اعتقاد نگارنده، بررسی پیشینه تاریخی ماده مزبور، از پایه‌های مهم و اساسی تفسیر ماده یاد شده و از عوامل تعیین کننده مفهوم و قلمرو آن است. به همین دلیل، پیش از آنکه به بحث و بررسی ماده مذکور بپردازیم پیشینه تاریخی آن را به شرح زیر ارائه می‌دهیم:

۱. ماده ۶۶ ق. ت. (منسوخ) ۴-۱۳۰۳، که مقرر می‌داشت: «شرکتهای سهامی که فعلاً موجودند باید در طهران تا یکسال و در ولایات تا دو سال از تاریخ اعلان و نشر این قانون تشکیلات خود را با مقررات آن [یعنی مواد ۱۶ تا ۶۵] تطبیق نمایند و الا مدیران آنها از صد الی یک هزار تومان به عنوان غرامت دادنی خواهند بود و خود شرکتها نیز منحل می‌گردد». این ماده به موجب ماده ۱۲ قانون ثبت شرکتها، مصوب خردادماه ۱۳۱۰، نسخ شد.

۲. ماده ۱۰۴ ق. ت. (منسوخ) ۴-۱۳۰۳: «شرکتهای مختلط موجود مکلف هستند که در ظرف ششماه از تاریخ اعلان و نشر این قانون هیأت نظاری موافق مقررات فوق تشکیل دهند و در صورت عدم تشکیل هیأت نظار در مدت مذکور، هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند».

۳. ماده ۱۱۳ ق. ت. (منسوخ) ۴-۱۳۰۳: «شرکتنامه هر شرکت [یعنی شرکتهای تجاری سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی] باید در دفتر ثبت اسناد ثبت و یک نسخه از آن در اداره مزبور ضبط شود....».

شایان ذکر است که در ق. ت. ۴-۱۳۰۳ شرکت ضمانتی بدین شرح تعریف شده بود: «شرکت ضمانتی شرکتی است که برای امور تجاری بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته است» (ماده ۶۷). در ماده ۷۵ قانون مذکور آمده بود که: «اگر دارایی شرکت ضمانتی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکا به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت می‌باشد».

در سال ۱۳۱۱ قانونگذار برای محتوای شرکت ضمانتی، مذکور در مواد ۶۷ تا ۸۴ ق. ت. ۴-۱۳۰۳ قالب شرکت نسبی را برگزید و با پذیرش اصل مسئولیت تضامنی (پذیرفته شده در حقوق اروپا) شرکت جدیدی با نام «شرکت تضامنی» وارد نظام حقوقی کشور ما نمود (بند ۳ ماده ۲۰ و مواد ۱۱۶ تا ۱۴۰ ق. ت. ۱۳۱۱).

۴. ماده ۱۱۴ ق. ت. (منسوخ) ۴-۱۳۰۳: «در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتنامه و

منضمات آن در یکی از جرائد محلی که اعلانات رسمی در آن درج می‌شود اعلام خواهد شد...».

۵. ماده ۱۴۱ ق. ت. (منسوخ) ۴ - ۱۳۰۳: «کلیه شرکتهایی که در ایران تشکیل می‌شود تبعه ایران محسوب است و مرکز اصلی آن باید در ایران باشد». این ماده به موجب ماده ۱۲ قانون ثبت شرکتهای، مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰، نسخ شد.

۶. ماده ۱ قانون ثبت شرکتهای، مصوب خردادماه ۱۳۱۰: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است». این ماده جایگزین ماده ۱۴۱ ق. ت. (منسوخ) ۴ - ۱۳۰۳ شده است.

۷. ماده ۲ قانون ثبت شرکتهای، ۱۳۱۰: «کلیه شرکتهای ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی) که در تاریخ اجرای این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت [۴ - ۱۳۰۳] راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور، عمل نکرده‌اند باید تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند و الا به تقاضای مدعی‌العموم بدایت محلی که ثبت باید در آنجا به عمل آید محکمه مدیران آنها را به یکصد الی هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی‌العموم حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر خواهد شد...».

۸. ماده ۲۵ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتهای، مصوب خردادماه ۱۳۱۰: «ثبت شرکتهای ایرانی باید مطابق مقررات قانون تجارت به عمل آید...».

۹. ماده ۵۹۴ ق. ت. مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱: «به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کلیه شرکتهای ایرانی موجود که به امور تجارتی اشتغال دارند تا اول تیرماه ۱۳۱۱ مهلت داده می‌شود که خود را با مقررات یکی از شرکتهای مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند و الا نسبت به شرکت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتهای، مصوب خردادماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد».

۱۰. ماده ۵۹۷ ق. ت. ۱۳۱۱: «شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیأت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الا هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند».

شایان ذکر است که حکم ماده ۵۹۷ ق. ت. ۱۳۱۱ همان حکم مذکور در ماده ۱۰۴ ق. ت. ۴ - ۱۳۰۳ - به شرح بالا - است. در این قانون ضمانت اجرای انطباق مقررات شرکتهای موجود در زمان تصویب آن قانون، انحلال شرکت بود (مواد ۶۶ و ۱۰۴ آن قانون). از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که با توجه به حکم مذکور در ماده ۲ قانون ثبت شرکتهای، مصوب ۱۳۱۰، حکم انحلال شرکت متخلف بنا به تقاضای دادستان نیز صادر می‌شد. در حالی که، از نحوه بیان قانونگذار در ماده ۵۹۴ که شرکت متخلف را مشمول حکم ماده ۲ یاد شده دانسته است ولی در خصوص شرکت مختلط سهامی در ماده ۵۹۷ اشاره‌ای به این حکم ننموده است، نتیجه می‌گیریم که قانونگذار بدون توجه به ماده ۲ مذکور، حکم ماده



۵۹۷ را انشا کرده و شرکت سهامی مختلط را در ارتباط با تخلف مذکور در ماده ۵۹۷ ق.ت. از شمول حکم ماده ۲ قانون ثبت شرکتها (۱۳۱۰) خارج نموده است. چون متن ماده ۵۹۷ اقتباس ناقصی از متن ماده ۱۰۴ ق.ت. ۴-۱۳۰۳ است، به اعتقاد ما این اختلاف بیان ناشی از کم توجهی قانونگذار بوده که ضروری است در تجدید نظر در قوانین تجاری در احکام اینگونه موارد هماهنگی ایجاد شود.

گرچه ماده ۲۲۰ در فصل چهارم (مقررات مختلفه) از باب سوم و مواد ۵۹۴، ۵۹۵ (در خصوص تقاضای تمدید مهلت مذکور در ماده ۵۹۴) و ۵۹۷ در باب شانزدهم (مقررات نهایی) ق.ت. مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ بیان شده است، احکام این مواد (بویژه حکم ماده ۵۹۴ که به تحقیق می‌توان گفت که حقوقدانهای ما راجع به حکم آن بتفصیل بحث ننموده‌اند) در تعیین مفهوم و قلمرو حکم ماده ۲۲۰ مؤثر است. بنابراین، تدوین و جایابی دقیق و منطقی مواد قانون ایجاد می‌کرد که احکام مواد مذکور (که راجع به شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط موجود در زمان تصویب قانون ۱۳۱۱ است در فصل چهارم یاد شده و قبل از حکم ماده ۲۲۰ درج می‌شدند، به هر حال، جهت رعایت نظم منطقی فوق، از این پس زمان بیان این دو ماده با هم، ماده ۵۹۴ را بر ماده ۲۲۰ مقدم می‌داریم.

در این مقاله سعی می‌شود تا در حد توان و ضرورت با بررسی و تحلیل پیشینه تاریخی ماده مذکور - که به نخستین قانون تجارت ایران، یعنی ق.ت. ۴-۱۳۰۳ برمی‌گردد - و نظر حقوقدانها درباره مفهوم و قلمرو ماده یاد شده، حکم آن تجزیه و تحلیل شده و مفهوم و قلمرو آن تعیین شود. سپس، رابطه حکم ماده مورد بحث با شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد مشخص شود و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادها اعلام شود.

بحث و بررسی

۱. پیشینه تاریخی ماده ۲۲۰ ق.ت. و تحلیل آن

از بررسی و جمع احکام مقرر، در موادی که در مقدمه ذکر شد نتایج تحلیلی زیر به دست می‌آید:

۱-۱. با توجه به اینکه ماده ۱۴۱ ق.ت. ۴-۱۳۰۳ - به شرح مذکور در بالا - ذیل فصل پنجم (مقررات مختلفه) از باب سوم (شرکتهای تجاری) این قانون آمده بود، مسلم است که عبارت «کلیه شرکتها که... تبعه ایران محسوب است» مندرج در ماده مرقوم، منحصرأ شامل شرکتهای تجاری سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی احصا شده در باب سوم ق.ت. (منسوخ) ۴-۱۳۰۳ بوده است.

۲-۱. با نسخ ماده ۱۴۱ ق.ت. (۴-۱۳۰۳) و تصویب ماده ۱ قانون ثبت شرکتها (۱۳۱۰) به جای آن، در می‌یابیم که منظور قانونگذار از عبارت «شرکتهای ایرانی» مندرج در ماده ۱ مذکور همان شرکتهای تجاری چهارگانه فوق‌الذکر بوده است. لیکن، با تصویب ق.ت. ۱۳۱۱ و افزایش انواع شرکتهای تجاری از ۴ به ۷، عبارت یاد شده مفهوم و قلمرو وسیعتری یافته است؛ یعنی منحصر به ۷ نوع شرکت تجاری مندرج در ماده ۲۰ ق.ت. ۱۳۱۱ شده است.

۳-۱. در ق.ت. ۴-۱۳۰۳، ثبت اجباری شرکتنامه (ماده ۱۱۳) به منزله ثبت شرکت بود (مستفاد از ماده ۲ قانون ثبت شرکتها، مصوب ۱۳۱۰ و ماده ۲۵ نظامنامه اجرای آن قانون، به شرح فوق).



۱- ۴. در ق. ت. ۴- ۱۳۰۳، برای ثبت اجباری شرکتنامه شرکتهای ایرانی که به موجب آن قانون تشکیل می‌شدند مهلتی پیش‌بینی نشده بود. به همین دلیل طبق ماده ۲ قانون ثبت شرکتهای (۱۳۱۰) به کلیه شرکتهای ایرانی (سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی) که تا خردادماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات ق. ت. ۴- ۱۳۰۳ تطبیق نداده و تقاضای ثبت ننموده بودند، تا آخر شهریور ۱۳۱۰ مهلت داده شد که اقدامات لازم را برای به ثبت رسانیدن خود انجام دهند، در غیر این صورت، بنا به تقاضای مدعی‌العموم حکم انحلال شرکتهای متخلف صادر می‌شد (ضمانت اجرای مدنی).

۱- ۵. قانون ثبت شرکتهای، مصوب ۱۳۱۰، ناظر به شرکتهای تجاری ایرانی و شرکتهای تجاری خارجی (مذکور در ماده ۳ و برخی دیگر از مواد این قانون) بوده و منصرف از مطلق شرکت مدنی است. به بیان دیگر، «شرکت ایرانی» مذکور در مواد ۱ و ۲ قانون یاد شده صرفاً شرکتهای تجاری ایرانی است که در مقابل شرکتهای خارجی به کار رفته است. در ق. ت. (منسوخ) ۴- ۱۳۰۳، قانون ثبت شرکتهای، مصوب ۱۳۱۰ و نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتهای، مصوب خرداد ۱۳۱۰، ثبت شرکتهای ایرانی - که در ماده ۱۱ قانون ثبت شرکتهای به شرکت داخلی تعبیر شده است - و ثبت شرکتهای خارجی الزامی شده است.

۱- ۶. منظور قانونگذار از عبارت «کلیه شرکتهای ایرانی موجود» در ماده ۵۹۴، با توجه به استثنای نمودن شرکتهای سهامی و مختلط در صدر این ماده، فقط شرکتهای ضمانتی و شرکتهای تعاونی بوده است. به بیان دیگر، طبق ماده ۵۹۴ ق. ت. ۱۳۱۱، به شرکتهای تجاری ایرانی که به یکی از دو صورت شرکت ضمانتی یا شرکت تعاونی (بدون تطبیق وضع خود با ق. ت. ۴- ۱۳۰۳) تشکیل شده بودند و به موجب ماده دوم قانون ثبت شرکتهای، مصوب خردادماه ۱۳۱۰، مکلف بودند تا آخر شهریورماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات ق. ت. ۴- ۱۳۰۳ تطبیق دهند و تقاضای ثبت نمایند، تا اول تیرماه ۱۳۱۱ مهلت داده شد که خود را با مقررات یکی از شرکتهای مذکور در ق. ت. ۱۳۱۱ وفق داده و تقاضای ثبت نمایند. بنابراین حکم این ماده نفیاً و اثباتاً شامل دو مورد زیر است:

الف) مهلت مذکور در ماده دوم قانون ثبت شرکتهای، مصوب ۱۳۱۰، برای شرکتهای سهامی و مختلط [سهامی] که تا تاریخ اول خردادماه ۱۳۱۱ (زمان لازم‌الاجرا شدن ق. ت. ۱۳۱۱) خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در ق. ت. ۴- ۱۳۰۳ نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن عمل ننموده بودند، تمدید نشد. در صورتی که این شرکتهای از اول خرداد ۱۳۱۱ به بعد کماکان به امور تجاری اشتغال ورزیده باشند و خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در قانون تجارت ۱۳۱۱ در نیاورده و تقاضای ثبت ننموده باشند همچنان مشمول حکم ماده ۲ قانون ثبت شرکتهای (۱۳۱۰) بوده و هستند.

ب) حکم ماده ۵۹۴ اثباتاً در خصوص آن دسته از شرکتهای تجاری ایرانی است که به صورت شرکت ضمانتی یا شرکت تعاونی به امور تجاری اشتغال داشته‌اند ولی تا تاریخ تصویب ق. ت. ۱۳۱۱ وضع خود را با ق. ت. ۴- ۱۳۰۳ تطبیق نداده و به ثبت نرسیده بوده‌اند.

به اعتقاد ما، قانونگذار با وضع ماده ۵۹۴ ق. ت. سعی نمود تا حد امکان اولاً از مجازات کردن مدیران



شرکتهای ضمانتی (که مسئولیت نسبی شرکای آنها مورد قبول فقه بوده) و شرکتهای تعاونی که تا تاریخ تصویب ق.ت. ۱۳۱۱ به ثبت نرسیده بودند جلوگیری کند و ثانیاً مانع انحلال این دو نوع شرکت شود. این شرکتها در صورتی که تا اول تیرماه ۱۳۱۱ با رعایت مقررات ق.ت. ۱۳۱۱ تقاضای ثبت ننموده باشند، مطابق ماده ۲ قانون ثبت شرکتها، مصوب ۱۳۱۰، باید منحل می شدند.

۷-۴. گرچه در ق.ت. ۱۳۰۳ به عنصر شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری - که قانونگذار آنها را شرکت ایرانی نامیده بود - تصریح نشده بود و از این نظر ظاهراً نقصى در آن قانون مشاهده می شد، با مطالعه دقیق مواد قانون مذکور از جمله مواد ۲۲، ۲۴، ۴۰، ۶۵ (بند ۳)، ۷۵، ۱۱۵ و ۱۲۸ - که در آنها برای شرکتهای تجاری اسم، دارایی، مطالبات، قروض و وکیل - مستقل از اسم، دارایی، مطالبات، قروض و وکیل شرکای آنها، پیش بینی شده بود، در می یابیم که قانونگذار سال ۴ - ۱۳۰۳ شخصیت حقوقی را برای شرکتهای تجاری فرض دانسته بود.

شایان ذکر است که به نظر می رسد علت عمده عدم تصریح به وجود شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری در ق.ت. ۴ - ۱۳۰۳ این باشد که در زمان تصویب این قانون - که از قانون تجارت بلژیک و فرانسه اقتباس گردیده - قانون تجارت فرانسه به شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری تصریح ننموده بود، چرا که در آن زمان شخصیت حقوقی جمعیتها و شرکتهای تجاری در قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) پیش بینی شده بود. در نتیجه، به دلیل غفلت قانونگذار ایران از این امر، در ق.ت. ۴ - ۱۳۰۳ به وجود شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری تصریح نگردید. ولی در حال حاضر به موجب ماده ۵۸۳ ق.ت. ۱۳۱۱، کلیه شرکتهای تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

۲. نظر حقوقدانها درباره مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق.ت.

براساس تحقیق ما، نظرهای زیر درباره مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ابراز شده است:

۲-۱. آقای دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از ذکر قسمت اول ماده ۲۲۰ ق.ت. اظهار می دارد: «چون قانون فرض کرده است که در تاریخ ۱۳۱۱ هنوز شرکتهایی وجود داشته که کاملاً تطبیق با مقررات آن نمی کرده است و از آنجا که مقررات قانون برای تنظیم امور و حمایت اشخاصی است که پس اندازهای خود را به این شرکتها می سپارند یا با آنها معامله می نمایند کلیه شرکتهای ایرانی موظف شده اند که یکی از صورتهای مذکور در قانون تجارت را اتخاذ نمایند. همین مقررات راجع به شرکتهایی که پس از تصویب قانون تشکیل شوند نیز مجری خواهد بود» / ۱/.

۲-۲. آقای دکتر حسن ستوده تهرانی، بدون اینکه بحث مستقلی در مورد ماده ۲۲۰ ق.ت. کرده باشد، در بحثهای پراکنده، شرکتهای ثبت نشده (از جمله شرکتهای عملی)، شرکتهای سهامی فاقد اعتبار (ماده ۸۲ سابق ق.ت.) و شرکتهای با مسئولیت محدود باطل (ماده ۱۰۰ ق.ت.) را مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. دانسته است / ۴ و ۵/.

حقوقدان مذکور شرکتهای ثبت نشده را به دو نوع زیر تقسیم نموده است / ۴/:

نوع اول - شرکت عاملیت: یک یا دو نفر سرمایه خود را در اختیار یک یا چند شریک دیگر می‌گذارند و در آخر هر سال سودی به نسبت [سرمایه خود از] منافع حاصل دریافت می‌دارند. در این شکل، اغلب قراردادی که بین شرکا تنظیم می‌شود صورت قرارداد وام... دارد، زیرا اگر به صورت شرکتنامه نوشته شود حتماً باید به ثبت برسد و اگر به ثبت نرسد در محاکم پذیرفته نخواهد شد. بنابراین، اصولاً اینگونه شرکتها تابع اصول شرکتهای تجاری نیستند و تابع نوع قراردادی می‌باشند که بین شرکا تنظیم شده است. به این دلیل در بعضی موارد آنها را شرکت مخفی می‌نامند.

نوع دوم - مشارکت در انجام معاملات تجاری: چند نفر با هم تحت نام تجارتخانه معامله می‌کنند بدون اینکه رسماً شرکتی به ثبت برسانند. این نوع مشارکت دو صورت پیدا می‌کند:

صورت اول: کلیه شرکا به معاملات تجاری اشتغال می‌ورزند. این شرکتها را که به فرانسه Société de Fait می‌نامند، یعنی شرکتهای عملی و نه حقوقی، و به هیچ وجه دارای شخصیت حقوقی نیستند، قانون ایران به رسمیت نمی‌شناسد، ولی برای حفظ منافع اشخاصی که با چنین شرکتهایی وارد معامله می‌شوند، طبق ماده ۲۲۰ ق. ت. شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آنها اجرا می‌شود. بنابراین، شرکتهای ثبت نشده که با اشتغال به امور تجاری، طبق ماده ۲ ق. ت.، تاجر محسوب می‌شوند، شرکت تضامنی محسوب شده و کلیه شرکا از دارایی شخصی خود مسئول تعهدات شرکتند چه در بین شرکا شرکتنامه تنظیم شده باشد یا خیر.

صورت دوم: تعهد مشترک: در این صورت، دو شرکت ثبت شده یا دو تاجر یا یک نفر و یک شرکت تجاری تعهد می‌کنند با مشارکت یکدیگر کار معین یا کارهای معینی را انجام دهند. در این قبیل موارد - که در اصطلاح اروپایی Joint Venture نامیده می‌شوند - طرفین [مثلاً یک شرکت ثبت شده ایرانی یک شرکت خارجی] به موجب قراردادی که با یکدیگر منعقد می‌کنند انجام امر یا امور معینی را تعهد می‌کنند بدون آنکه شرکت ثالثی تشکیل دهند. در این نوع شرکتها [مشارکتها] هرکدام از طرفین شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کند، ولی به موجب قرارداد، سازمان مستقلی برای انجام دادن امر یا امور تشکیل می‌دهد که وظایف آن را به موجب قراردادی که تعهد مشترک نامیده می‌شود تعیین می‌کنند.

۲ - ۳. آقای دکتر سید محمود کاشانی در مورد شخصیت حقوقی در شرکتهای مدنی اظهار می‌دارد [۸/]: ... ماده ۵۸۳ ق. ت. در این مورد می‌گوید:

«کلیه شرکتهای تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند». از ماده مزبور غالباً چنین نتیجه‌گیری می‌شود که شرکتهای مدنی، فاقد شخصیت حقوقی‌اند و اموال شرکت، ملک مشاع کلیه شرکاست. این نتیجه‌گیری قابل بحث است. بسیاری از شرکتهای مدنی به فعالیتهای تجاری اشتغال می‌ورزند و بر همین اساس، ماده ۲۲۰ ق. ت. این قبیل شرکتهای مدنی را در حکم شرکتهای تضامنی دانسته است. می‌دانیم که شرکت تضامنی یکی از شرکتهای مذکور در قانون تجارت است...

۲ - ۴. آقای دکتر ناصر کاتوزیان در مورد مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق. ت. می‌نویسد [۷]:



«اگر شرکت مدنی بر مبنای اشاعه تشکیل شود و شغل معمولی خود را انجام «اعمال تجاری» قرار دهد، آن شرکت، تجاری است و ماده ۲۲۰ ق. ت. در تأیید همین اصل است.

معنی ماده ۲۲۰ این است که، هر شرکت به کار تجارت بپردازد، خود به خود شخصیت حقوقی پیدا می‌کند و اگر به صورت یکی از شرکتهای مذکور در قانون تجارت در نیامده باشد در حکم شرکت تضامنی است؛ یعنی سنگین‌ترین مسئولیتها به دوش شریکان نهاده می‌شود.

تعبیر اخیر باعث می‌شود که دوگانگی بین قواعد حاکم بر تاجر پیشه‌گان از بین برود و هر شخص که بدین شغل مبادرت می‌ورزد تابع نظامات خاص آن شود و اشخاص بی‌مبالا نتوانند در نتیجه بی‌انضباطی یا سوء نیت از تکالیف ویژه بازرگانان معاف گردند...

از همه اینها گذشته، این تعبیر با عموم ماده ۲۲۰ که از سویی تمام شرکتهای ایرانی را شامل می‌شود (خواه مالکیت به طور اشاعه باشد یا غیر آن)، و از سوی دیگر تمام احکام شرکتهای تضامنی را در بر می‌گیرد و محدود به مسئولیت پرداخت دیون نمی‌شود، سازگارتر است.

نخستین نتیجه اجرای احکام شرکتهای تضامنی این است که شرکت شخصیت حقوقی بیابد و تمام دیون شرکت را بتوان از هر شریک مطالبه کرد. رهایی از این نتیجه، با مفاد ماده ۲۲۰ مخالف است و...». شایان ذکر است که آقای دکتر ناصر کاتوزیان در تبیین مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق. ت. در بخشی از تحلیل مربوط به این ماده عبارت «هر شرکت» را به جای عبارت «هر شرکت ایرانی» به کار برده‌اند. در حالی که در ماده ۲۲۰ ق. ت. آنچه از نظر موضوع و حکم مورد بحث است «هر شرکت ایرانی» است و نه «هر شرکت».

۲-۵. گفته شده است که ممکن است در مورد معنای ماده ۲۲۰ ق. ت. نظر زیر پذیرفته شود [۷]:
«ماده ۲۲۰ برای اجبار شریکان به رعایت یکی از صورتهای شرکت تجاری در قانون و تعیین ضمانت اجرای تخلف از این تکلیف است و نباید امتیازی بوجود آورد یا مبنای تراضی را تغییر دهد. بنابراین، شرکت مدنی که به کار تجارت می‌پردازد در رابطه بین شرکا و در درون خود تابع قواعد اشاعه و احکام مدنی است. ولی در رابطه با اشخاص ثالث در حکم شرکت تضامنی است، یعنی هر یک از شریکان مسئول تمام بدهی‌های ناشی از کار تجاری است. به بیان دیگر، از اتحاد شریکان، شخصیت حقوقی بوجود نمی‌آید و فقط آنان ضامن یکدیگرند تا دیون کار تجاری مشترک را بپردازند. مفهوم بخش اخیر ماده ۱۱۶ ق. ت. که پس از اعلام مسئولیت تضامنی شرکا در برابر طلبکاران، اعلام می‌کند: «هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد، در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود»، این تعبیر را تأیید می‌کند».

۲-۶. آقای دکتر ناصر کاتوزیان اظهار داشته‌اند که ممکن است نسبت به مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق. ت. نظر دیگری به شرح زیر انتخاب شود [۷]:

«مفاد ماده ۲۲۰ ناظر به موردی است که شرکا از مالکیت خصوصی خود بگذرند و مقصودشان این باشد که شخصیت [شخص] حقوقی بوجود آید و مالک آورده‌ها شود. در اینجا است که قانونگذار



اتحاد آنان را تابع احکام شرکت تضامنی می‌کند و در واقع به ماده‌ای که خود ایجاد کرده‌اند صورت خارجی می‌دهد. ولی در فرض شرکت مدنی، که بنا بر توافق شرکا مالکیت مشاع هر کدام باقی است، قواعد شرکت تضامنی قابل اجرا بنظر نمی‌رسد. لازمه اجرای قواعد شرکت تضامنی شناسایی شخصیت [شخص] حقوقی و واگذارن مالکیت شرکا به موجودی است که برخلاف تراضی مبنای تشکیل اتحاد آنان است؛ چرا که شرکا خواسته‌اند تا مالکیت خصوصی هر یک در آمیزه‌ای که هست محفوظ بماند و بوسیله نمایندگان مالکان اداره شود، در حالی که شناسایی شخصیت [شخص] حقوقی بمنزله سلب این مالکیت‌ها است».

۳. تجزیه و تحلیل مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق.ت؛ نظر مورد اختیار

۳-۱. با توجه به مواد ۱ و ۲ قانون ثبت شرکتها، مصوب ۱۳۱۰، منظور قانونگذار از عبارت «شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته» مندرج در صدر ماده ۲۲۰ ق.ت. ۱۳۱۱، همان شرکت‌های تجاری سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی (احصا شده در ق.ت. ۴-۱۳۰۳) است.

۳-۲. شرکت ایرانی موجود در زمان تصویب قانون ۱۳۱۱ که پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به امور تجاری اشتغال ورزیده است در صورتی مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. می‌شود که اولاً خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیاورده و ثانیاً مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نکرده باشد.

با توجه به نحوه بیان حکم ماده یاد شده، برای اینکه شرکت تجاری متخلف محسوب و مشمول ماده مرقوم شود باید مرتکب هر دو تخلف مذکور شده باشد. بنابراین، هرگاه شرکت ایرانی مورد بحث خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در ق.ت. ۱۳۱۱ درآورده باشد، ولی مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نکرده باشد نمی‌توان این شرکت را مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. دانست. زیرا، این شرکت مقررات قانونی مربوط به تشکیل یکی از شرکت‌های تجاری را رعایت کرده و خود را به صورت آن شرکت درآورده است. در این صورت، هر عملی از شرکت یاد شده که با مقررات قانونی آن شرکت منطبق نباشد، بنا به دلایلی که بعداً خواهد آمد، اصولاً باطل است و هر ذی‌نفع می‌تواند بطلان آن عمل (و نه شرکت) را از دادگاه بخواهد.

۳-۳. همان طور که در بند ۱- ۷ توضیح دادیم گرچه در ق.ت. ۴-۱۳۰۳ به شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری چهارگانه مذکور در این قانون تصریح نشده بود، قانونگذار شخصیت حقوقی را برای آنها فرض دانسته بود. در نتیجه، شرکت‌های ایرانی مشمول مواد ۱ و ۲ قانون ثبت شرکتها (۱۳۱۰) و به تبع آن شرکت‌های ایرانی مشمول قسمت اول ماده ۲۲۰ ق.ت. شرکت‌هایی بوده و هستند که شخصیت حقوقی داشته و دارند.

به هر حال با تصریح به وجود شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری در ماده ۵۸۳ ق.ت. ۱۳۱۱ نقص ظاهری اشاره شده در بند ۱- ۷ مذکور برطرف گردید. با تحلیل فوق، معتقدیم که منظور قانونگذار از



«شرکت ایرانی» مذکور در ماده ۲۲۰ ق. ت. شرکتی است که اساساً دارای شخصیت حقوقی است. به بیان دیگر، شرکتی «ایرانی» محسوب می‌شود که شخصیت حقوقی داشته باشد و شخص حقوقی تلقی شود تا از لحاظ عقلی و منطقی وصف «ایرانی» برای آن قابلیت کاربرد داشته باشد. بنابراین، شرکتهای تجاری (که اشخاص حقوقی تلقی شده و می‌شوند) مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. بوده و هستند و نه اینکه شرکتی بدون شخصیت حقوقی متخلف تلقی و مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. شود و سپس به عنوان شرکت تضامنی واجد شخصیت حقوقی شود.

شرکتهای تجاری مذکور در ق. ت. ۴-۱۳۰۳ و ق. ت. ۱۳۱۱ شرکتهایی بوده و هستند که اشخاص آنها را به قصد تجزیه دارایی خود، استفاده از عنصر شخصیت حقوقی، ایجاد شخص حقوقی و انتقال بخشی از دارایی خود به این شخص حقوقی (شرکت تجاری) تشکیل داده یا می‌دهند.

بنابراین، منظور قانونگذار از اصطلاح «شرکت ایرانی» مندرج در ماده ۱ قانون ثبت شرکتهای (۱۳۱۰) و ماده ۲۲۰ ق. ت.، شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت است که همگی شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری دارند. اصطلاح مذکور، خاص قانون تجارت است که اطلاق و عمومیت آن تنها در قلمرو حقوق تجارت قابل تفسیر است و فقط شامل شرکتهای تجاری احصا شده در قانون تجارت است و نه شرکت مدنی که شرکا در تشکیل آن قصد تجزیه دارایی خود، استفاده از عنصر شخصیت حقوقی و ایجاد شخص حقوقی را ندارند (دارایی مشارکت مدنی در مالکیت مشاع شرکا قرار دارد) و در هر حال (اعم از اینکه به امور تجاری یا امور غیر تجاری اشتغال داشته باشد) مشمول مقررات حقوق مدنی است.

آقای دکتر ستوده تهرانی در بیان تفکیک شرکتهای ایرانی و شرکتهای خارجی می‌نویسد: «... طبقه بندی دیگری از شرکتهای به موجب قانون ثبت شرکتهای پیش بینی شده است که عبارت است از شرکتهای ایرانی و خارجی... شرکتهای ایرانی از حیث تأسیس و تشکیل و سازمان تابع مقررات قانون تجارت ایران هستند...» [۴].

این بیان، نظر ما را تأیید می‌کند.

آقای دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی نیز اصطلاح «شرکت ایرانی» را به [حقوق] تجارت اختصاص داده است [۳].

بنابر تحلیل و دلایل فوق، این گفته را که «معنی حکم قانونگذار [در ماده ۲۲۰ ق. ت.] این است که شرکت تجاری شخصیت حقوقی می‌یابد» [۷] مخالف مفهوم ماده ۲۲۰ ق. ت. می‌دانم. به نظر من «شرکت ایرانی» مذکور در ماده ۲۲۰ ق. ت. شرکتی است تجاری و پیش از آنکه مشمول حکم این ماده بشود دارای شخصیت حقوقی شده است ولی به دلیل تخلف از دستور قانونگذار - مبنی بر انطباق خود با یکی از شرکتهای تجاری مذکور در ق. ت. ۱۳۱۱ و عمل به مقررات مربوط به آن شرکت - مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. شده و «شرکت تضامنی» محسوب می‌شود. شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد نیز مانند شرکت مدنی که به امور غیر تجاری می‌پردازد فاقد شخصیت حقوقی است و هر دو

تابع اصول و مقررات حقوق مدنی اند.

در حقوق ایران، موارد زیر مؤید نظر نگارنده است:

الف) قانون مدنی ایران برای شرکتهای مدتی شخصیت حقوقی قائل نشده است.

ب) غالب قریب به اتفاق نویسندگان حقوق مدنی ایران برای شرکتهای مدنی شخصیت حقوقی قائل نشده‌اند.

ج) مقررات مالیات بر درآمد شرکتهای مدنی (اعم از اختیاری یا قهری) در تبصره ماده ۹۳، تبصره ۳ ماده ۱۰۰ (که تصریح می‌کند: در شرکتهای مدنی تسلیم اظهارنامه توسط یکی از شرکا موجب اسقاط تکلیف سایر شرکا خواهد بود) و تبصره (اصلاحی سال ۷۱) ماده ۱۰۱ از فصل چهارم (مالیات بر درآمد مشاغل) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ پیش‌بینی شده است، در حالی که مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (از جمله شرکتهای تجاری) تابع مقررات فصل پنجم (مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی) قانون مذکور است.

بدین ترتیب، طبق قانون مدنی ایران، شرکای شرکت مدنی - اعم از اینکه به امور تجاری یا غیر تجاری اشتغال ورزد - نظیر شرکای شرکت نسبی (در قانون تجارت) نسبت به دیون شرکت مدنی دارای مسئولیت نسبی اند.

شایان ذکر است که بررسی اصول حاکم بر شرکت مدنی - که به امور تجاری اشتغال دارد - و مبانی فقهی و حقوقی آن خارج از بحث این مقاله است.

به هر حال، با تصویب ماده ۲۸۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷ با اصلاحات مصوب ۱۲/۲۵ / ۱۳۵۰، که مقرر داشته: «شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف ۴ سال از تاریخ اجرای این قانون به صورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند و الا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود» قانونگذار دیدگاه جدیدی را نسبت به دیدگاه قانونگذار سال ۱۳۱۱ ارائه داده است. از آنجا که موضوعات مورد حکم در مواد ۲۲۰ ق.ت. و ۲۸۴ ل.ا.ق.ت. تقریباً مشابهند، از مقایسه احکام مقرر در این موارد در می‌یابیم که قانونگذار ۱۳۴۷ با تعیین ضمانت اجرای مدنی انحلال برای شرکتهای سهامی متخلف، از وضع سنگین‌ترین مسئولیت یعنی مسئولیت تضامنی برای مسئولان شرکت که به تکلیف مقرر در ماده ۲۸۴ ل.ا.ق.ت. عمل نکرده‌اند خودداری نموده است و گرایش خود را بیشتر به سوی واضعان قانون ثبت شرکتها (۱۳۱۰) و حکم مذکور در ماده ۲ این قانون - مبنی بر انحلال شرکتهای متخلف - نشان داده است.

از آنجا که دیدگاه قانونگذار سال ۱۳۴۷ منطقی به نظر می‌رسد، پیشنهاد می‌کنیم این دیدگاه تقویت شود تا در مرحله بازنگری در قوانین فعلی تجارت مورد توجه تهیه‌کنندگان لایحه مربوط به قانون



تجارت و تدوین‌کنندگان آن قرار گیرد.

۳-۴. از مقایسه احکام مواد ۵۹۴ و ۲۲۰ ق. ت. در می‌یابیم که ماده ۵۹۴ مربوط به شرکتهای ایرانی موجود در زمان تصویب ق. ت. ۱۳۱۱ (یعنی شرکتهای سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی) است که تا تاریخ تصویب این قانون به ثبت نرسیده بودند و ماده ۲۲۰ منحصرراً راجع به شرکتهای چهارگانه فوق است که در تاریخ مذکور به ثبت رسیده بودند. زیرا، در ماده ۲۲۰ ق. ت. هیچ اشاره‌ای به عدم ثبت این شرکتها نشده است. علاوه جمع بین احکام این مواد نیز تفسیر ما را ایجاب می‌کند، در غیر این صورت، بین احکام آنها تعارض پیش خواهد آمد. با این تعبیر می‌توان گفت که شرکتهای سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی ثبت شده موجود در زمان تصویب ق. ت. ۱۳۱۱ که خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن عمل نکرده باشند، مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. شده‌اند. بدین ترتیب، قانونگذار از تاریخ اول خرداد ۱۳۱۱ [یعنی تاریخ لازم‌الاجرا شدن ق. ت. ۱۳۱۱] ضمانت اجرای مدنی سخت مذکور در ماده ۲۲۰ را برای اینگونه شرکتهای موجود ثبت شده مقرر نموده است؛ یعنی چنین شرکت متخلفی را شرکت تضامنی محسوب کرده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی را در مورد آن لازم‌الاجرا دانسته است. در حالی که، شرکتهایی که از حکم مذکور در ماده ۵۹۴ تخلف کرده باشند مشمول حکم ماده ۲ قانون ثبت شرکتها (۱۳۱۰) شده‌اند.

۳-۵. مقررات حاکم بر شرکتهای تجاری اصولاً سه دسته‌اند (با ضمانت اجراهای متفاوت):

الف) مقررات حاکم بر تشکیل شرکتهای تجاری: پاره‌ای از مقررات قانون تجارت (۱۳۱۱)، نظیر مواد ۲۸، ۲۹، ... و ۵۰ سابق ق. ت. (به استناد ماده ۸۲ سابق) و مواد مشابه آن در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از ق. ت. ۱۳۴۷ (مستفاد از ماده ۲۷۰ ل. ا. ق. ت.) راجع به تشکیل شرکتهای سهامی، مواد ۹۶، ۹۷ ق. ت. (به استناد ماده ۱۰۰ ق. ت.) در خصوص تشکیل شرکتهای با مسئولیت محدود و مواد ۲۸، ۲۹، ۳۹، ۵۰ سابق ق. ت. درباره شرکتهای مختلط سهامی (به استناد ماده ۱۷۷ ق. ت.) به تشکیل شرکتهای تجاری اختصاص دارد و ضمانت اجرای مقررات مذکور علی‌الاصول بطلان شرکت است که در ماده ۸۲، ۲۷۰، ۱۰۰ و ۱۷۷ یاد شده تصریح شده است.

بنابراین، پس از لازم‌الاجرا شدن ق. ت. ۱۳۱۱، هر شرکت تجاری که برخلاف مقررات مربوط به تشکیل آن، تشکیل شده یا بشود اساساً باطل و از درجه اعتبار ساقط است و شرکت ایرانی محسوب نمی‌شود و ضمانت اجرای این مقررات در پاره‌ای از مواد قانون تجارت ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از ق. ت. ۱۳۴۷ پیش بینی شده است. مسئولیت تضامنی مسئولان این بطلان ضامن اجرای اینگونه مقررات است. پس، هرگاه به عنوان مثال به استناد ماده ۱۰۰ ق. ت. حکم بطلان شرکت با مسئولیت محدود (که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ آن قانون تشکیل شده) صادر شود، شرکا و مدیران شرکت نسبت به خسارات ناشی از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود (ماده ۱۰۱ ق. ت.). در صورتی که هدف قانونگذار این بوده که چنین شرکت باطلی مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. قرار گیرد، اولاً دیگر نیازی به وضع مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ ق. ت. (مبنی بر بطلان شرکت و مسئولیت تضامنی ناشی از این بطلان) نبود.

ثانیاً در صورت عدم رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ ق.ت.، اصولاً شرکتی تشکیل نمی‌شود تا از مصادیق قسمت اول ماده ۲۲۰ ق.ت. که می‌گوید: «هر شرکت ایرانی که... در آتیه تشکیل شود... شرکت تضامنی محسوب شده و...» واقع شود. ثالثاً اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده ۱۰۰ ق.ت. صادر شود، این شرکت اساساً مشمول مقررات تصفیه امور شرکتها می‌شود و باید برای تصفیه امور آن یک یا چند نفر به عنوان مدیر تصفیه تعیین شود.

در تأیید این نظر می‌توان به ماده ۲۷۰ ل.ا. ق.ت. مصوب ۱۳۴۷ که ضمانت اجرای رعایت «مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی» را بطلان شرکت دانسته است و همچنین ماده ۲۷۴ این لایحه قانونی اشاره کرد که به موجب آن دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌کند باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات لایحه قانونی یاد شده [بخش نهم انحلال و تصفیه] انجام وظیفه نمایند.

با تحلیل فوق می‌توان گفت که نظر آقای دکتر حسن ستوده تهرانی مبنی بر اینکه «... بنابراین در مورد عدم رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ اصولاً شرکتی وجود ندارد که انحلال آن اعلام گردد و چنین شرکتی اگر مبادرت به عملیات [تجاری] نماید مانند شرکت‌های عملی تلقی شده و طبق ماده ۲۲۰ ق.ت. شرکت تضامنی محسوب گردیده و احکام مربوط به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد.» [۵/، اولاً خلاف فلسفه وضع ماده ۲۲۰ ق.ت. و مغایر هدف قانونگذار ۱۳۱۱ است. ثانیاً اگر به سبب بطلان شرکت، انحلال آن - طبق ماده ۲ قانون ثبت شرکتها - اساساً منتفی است، دلیلی وجود ندارد که آن را مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. بدانیم.

در نتیجه، به نظر ما شرکت‌های باطل و فاقد اعتبار و شرکت‌های عملی به هیچ وجه مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. نیستند.

در هر حال، در نظم حقوقی کنونی، با توجه به احکام مذکور در مواد ۲۷۰، ۲۷۳ (که مقرر می‌دارد: در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت... کسانی که مسئول بطلانند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است) و ۲۷۴ ل.ا. ق.ت. شرکت‌های سهامی عام و خاص از شمول حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. خارج شده‌اند. با وضع احکام مندرج در مواد یاد شده، دیگر اجرای حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. نسبت به شرکت سهامی (عام و خاص) متخلف موردی ندارد.

(ب) مقررات حاکم بر عملیات شرکت‌های تجاری

(ج) مقررات حاکم بر تصمیمات شرکت‌های تجاری

ضمانت اجرای دودسته اخیر، اصولاً بطلان عملیات شرکت و تصمیماتی است که هر یک ارکان شرکت می‌گیرند. در ماده ۸۳ (سابق) ق.ت. و ماده ۲۷۰ ل.ا. ق.ت. بطلان این دو دسته از مقررات حاکم بر عملیات و تصمیمات شرکت‌های تجاری مقرر شده است.

۳- پس از لازم‌الاجرا شدن ق.ت. ۱۳۱۱، هر شرکت تجاری که با رعایت مقررات حاکم بر تشکیل



آن - به شرح مذکور در قسمت (الف) بند ۳-۵ بالا - تشکیل شده یا بشود شرکت ایرانی تلقی شده و الزاماً به صورت یکی از شرکتهای هفتگانه مذکور در ماده ۲۰ ق. ت. ۱۳۱۱ درآمده است و به حکم ماده ۵۸۳ این قانون شخصیت حقوقی دارد. هرگاه این شرکت تجاری (که خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در قانون یاد شده درآورده است) مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نکند مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. نخواهد بود. زیرا، همان گونه که در بند ۳-۲ ملاحظه شد، برای شمول حکم این ماده بر شرکت مذکور و گذاشتن سنگین‌ترین مسئولیتها، یعنی مسئولیت تضامنی، بر دوش شرکای این شرکت دو شرط لازم است: یکی اینکه شرکت خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در آن قانون در نیآورده باشد و دیگر اینکه مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نکرده باشد. به نظر می‌رسد هرگاه مقررات قانونی در مورد عملیات یا تصمیماتی که هر یک از ارکان شرکت گرفته یا می‌گیرند رعایت نشده یا نشود، هر ذی‌نفع می‌توانسته یا می‌تواند با استناد به وحدت ملاک ماده ۸۳ (سابق) ق. ت. بر حسب مورد بطلان عملیات یا تصمیمات مذکور را از دادگاه تقاضا نموده یا بنماید.

شایان ذکر است که طبق ماده ۲۷۰ ل. ا. ق. ت. ضمانت اجرای رعایت مقررات مربوط به عملیات و تصمیمات شرکتهای سهامی عام و خاص بطلان عملیات و تصمیمات مذکور است. بنابراین از تاریخ لازم‌الاجرا شدن لایحه قانونی مذکور، وحدت ملاک این ماده، به جای ماده ۸۳ (سابق) ق. ت. قابل استناد بوده است.

نگارنده بنا به دلایل مذکور در بالا، مدعی است که عبارت «هر شرکت ایرانی که... در آتیه تشکیل شود» مذکور در صدر ماده ۲۲۰ ق. ت. مصداق خارجی ندارد. در خصوص علت درج عبارت یاد شده و اثر آن می‌توان گفت:

از آنجا که در قانون ثبت شرکتهای، مصوب ۱۳۱۰، برای شرکتهای تجاری که پس از تصویب این قانون و بدون رعایت ق. ت. ۴-۱۳۰۳ تشکیل شوند و مطابق قانون ثبت شرکتهای (۱۳۱۰) تقاضای ثبت نکنند، ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده بود، به نظر می‌رسد که قانونگذار ۱۳۱۱ خواسته در ماده ۲۲۰ این نقص را جبران نماید، ولی با توجه به تحلیل فوق و وضع احکام مذکور در مواد ۸۲، ۱۰۰، ۱۷۷ و ۵۹۷ ق. ت. در رسیدن به این هدف توفیق نیافته است.

۳-۷. اگر شرکتی به صورت یکی از انواع هفتگانه شرکتهای تجاری مذکور در ماده ۲۰ ق. ت. تشکیل شود و به امور تجاری اشتغال ورزد لیکن طبق مقررات مربوط نسبت به ثبت خود اقدام نکند از نظر عدم رعایت این تکلیف قانونی، مشمول حکم ماده ۱۹۵ ق. ت. ۱۳۱۱ و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای، مصوب ۱۳۱۰، از جمله مقررات ماده ۲ آن و همچنین ماده ۱۹۸ ق. ت. خواهد بود، نه مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. بنابراین شرکتهای تجاری که طبق مقررات ق. ت. ۱۳۱۱ تشکیل شده‌اند ولی هنوز به ثبت نرسیده‌اند به موجب ماده ۵۸۳ آن قانون واجد شخصیت حقوقی‌اند و براساس ماده ۱ قانون ثبت شرکتهای (۱۳۱۰)، شرکت ایرانی تلقی می‌شوند. حال اگر اینگونه شرکتهای تجاری که مطابق مقررات ق. ت. ۱۳۱۱ تشکیل شده‌اند ولی به ثبت نرسیده‌اند، طبق استدلال آقای دکتر حسن ستوده تهرانی مشمول

ماده ۲۲۰ ق. ت. شده و شرکت تضامنی محسوب شوند [۵]، در آن صورت تمامی شرکتهای تجاری ثبت نشده، شرکت تضامنی تلقی می‌شوند و حکم عام مندرج در ماده ۵۸۳ ق. ت. که می‌گوید: «کلیه شرکتهای تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند» منحصر به شرکت تضامنی می‌گردد. در حالی که، بی‌شک عمومیت این حکم، بطلان استدلال فوق را ثابت می‌کند. بعلاوه اگر چنین شرکتهای ثبت نشده‌ای را مشمول دستور ماده ۲۲۰ ق. ت. بدانیم دیگر موردی برای اجرای حکم ماده ۱۹۸ ق. ت. که مقرر می‌دارد: «اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق [مواد ۱۹۶ و ۱۹۷] بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچیک از شرکا نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند» باقی نمی‌ماند. بنابراین با توجه به حکم ماده ۵۸۳ ق. ت. وجود ۷ نوع شرکت تجاری مذکور در ماده ۲۰ ق. ت. قبل از ثبت آنها - بدون اینکه مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. باشند - بلامانع است، هرچند به امور تجاری اشتغال داشته باشند.

شایان ذکر است که به نظر نگارنده منظور قانونگذار از عبارت «در دو ماده فوق»، مواد ۱۹۵، ۱۹۶ و ۱۹۷ بوده است که در اثر اقتباس ناقص از ق. ت. ۴-۱۳۰۳ به جای ذکر عبارت «سه ماده فوق»، عبارت «دو ماده فوق» را ذکر نموده است. چرا که قانونگذار احکام مذکور در مواد ۱۱۳ و ۱۱۴ ق. ت. ۴-۱۳۰۳ را در مواد ۱۹۵، ۱۹۶ و ۱۹۷ ذکر کرده است و عبارت «در صورتی که مقررات این ماده و ماده قبل رعایت نشود»، یعنی مقررات دو ماده ۱۱۳ و ۱۱۴، مذکور در ذیل ماده ۱۱۴ ق. ت. ۴-۱۳۰۳ را بدون توجه به احکام مورد نظر در ۳ ماده ۱۹۵، ۱۹۶ و ۱۹۷ به عبارت «اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق» تغییر داده است.

۳-۸. در حقوق ایران، شرکت عاملیت (نوع اول از شرکتهای ثبت نشده) - به شرح مذکور در بند ۱ همین مقاله - را می‌توان در قالب عقد مضاربه (مواد ۵۴۶ تا ۵۶۱ ق. م.) تحلیل نمود، گرچه این عقد به معنای عام کلمه نوعی شرکت است، شرکتی که برای تشکیل آن الزامی به تنظیم و امضای شرکتنامه نیست.

۳-۹. در حقوق فرانسه، شرکت عملی (Société de Fait) شرکتی است که دو یا چند نفر به منظور انجام یک فعالیت مشترک (common activity) سرمایه‌گذاری می‌کنند و در منافع، هزینه‌ها و زیانهای شرکت سهیم هستند. این شرکتها که به حکم قانون ایجاد می‌شوند ثبت نمی‌شوند و شخصیت حقوقی ندارند و برحسب موضوع آنها، یک شرکت تجاری یا مدنی محسوب می‌شوند. در این نوع شرکتها، هر یک از شرکا مسئول تمام دیون شرکت است [۱۰].

در حقوق ایران، شرکت عملی (صورت اول از نوع دوم شرکتهای ثبت نشده) - به شرح مذکور در بند ۲-۲ همین مقاله - از مصادیق شرکت مدنی است که قرارداد آن مورد قبول قانون مدنی است. همان طور که در بند ۳-۳ بتفصیل بیان شد، مطلق شرکت مدنی خارج از شمول حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. است و تابع اصول و مقررات حقوق مدنی است. بعلاوه در قسمت (الف) بند ۳-۵ اشاره شد که مطلق شرکتهای عملی مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. نمی‌شود.



۴. رابطه حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. و شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد

با توجه به تحلیلی که از مفهوم و قلمرو ۲۲۰ ق. ت. - به شرح مذکور در بند ۳ - ارائه شد و به دلایل زیر، شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد خارج از مفهوم ماده مذکور است:

۴-۱. پیشینه تاریخی حکم مواد ۵۹۴ و ۲۲۰ ق. ت. - به شرح مذکور در مقدمه - به بهمن سال ۱۳۰۳ - که قسمت اول ق. ت. ۴-۱۳۰۳، شامل ۱۴۱ ماده تصویب رسید - برمی‌گردد، در حالی که، باب هفتم قانون مدنی ما راجع به شرکت، در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسیده است. از این رو، حکم ماده ۲۲۰ - با پیشینه تاریخی یاد شده - منصرف از شرکت مدنی است، حتی اگر این شرکت به امور تجاری اشتغال داشته باشد.

۴-۲. تدوین کنندگان قانون مدنی در هیچ یک از مواد قانون مدنی ۱۳۰۷، به عقدی به نام شرکت اشاره نکرده‌اند، بلکه «به جای عقد شرکت، خود شرکت را تعریف کرده‌اند و به این طریق مشکل است با استناد به مواد قانون مزبور صریحاً اظهار عقیده نمود بر اینکه عقد مستقل شرکتی موجود است که ایجاب و قبول به وسیله الفاظ دال بر معنای مشارکت منعقد می‌گردد بدون اینکه اطراف عقد مجبور به مزج سهم‌الشرکه خود باشند» [۶]. بنابراین به این دلیل هم، ماده ۲۲۰ ق. ت. نمی‌تواند ناظر به شرکت مدنی باشد.

۴-۳. دکتر سید حسن امامی، در بیان خصوصیات شرکت عقدی (شرکت مدنی)، بدون اینکه امور شرکت مدنی را به امور تجاری و امور غیر تجاری (مدنی) تفکیک نماید و بدون ذکر از ماده ۲۲۰ ق. ت. ۱۳۱۱ می‌نویسد: «شرکت مدنی دارای شخصیت حقوقی، غیر از شخصیت افراد شرکا که قبلاً نیز دارا بودند نمی‌باشد و آنان مشاعاً مالک مال‌الشرکه هستند. بنابراین اقامه دعوی از طرف شرکت یا علیه شرکت نمی‌توان نمود و باید دعوی به نام شرکا به عنوان مالکین مشاع [اقامه] بشود. و هرگاه بوسیله مدیر مجاز، عملیات تجاری انجام گردد و در اثر آن شرکا مدیون شوند، دعوی به طرفیت شرکا اقامه می‌گردد... در صورتی که شرکا بخواهند شرکت مزبور با حفظ مزایای شرکت مدنی، دارای شخصیت حقوقی بشود، باید طبق مقررات قانون تجارت آنرا به صورت شرکت نسبی به ثبت رسانند» [۲].

عبارت مذکور حاکی از آن است که به اعتقاد حقوقدان یاد شده شرکت مدنی - حتی اگر عملیات تجاری انجام دهد - مشمول مقررات قانون مدنی است و نه ماده ۲۲۰ ق. ت.

دکتر محمد نصیری در این باره می‌نویسد «شرکتهای مدنی بطور کلی فاقد شخصیت حقوقی هستند و طرز اداره کردن اموال شرکت تابع شرایط مقرر بین شرکا خواهد بود (ماده ۵۷۶ ق. م.)» [۹].

عدم تعرض این نویسندگان به ماده ۲۲۰ ق. ت. در خصوص شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد، قرینه‌ای است بر اینکه حقوقدانهای یاد شده، این نوع شرکت را مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. ندانسته‌اند. بیان نویسندگان مذکور که شالوده‌اش همان است که در بند ۳-۲ گفته شد، نظر ما را مبنی بر انصراف حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. از شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد تأیید می‌کند.

۴-۴. همان طور که در بندهای ۱-۷ و ۳-۳ همین مقاله بیان شد شرکتهای ایرانی مذکور در ماده ۲۲۰ ق.ت. واجد شخصیت حقوقی بوده و هستند، اما شرکت مدنی در هر حال فاقد شخصیت حقوقی است. در بند ۳-۳ همین مقاله توضیح دادیم برای آنکه شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. گردد باید «شرکت ایرانی» تلقی شود؛ در حالی که، از نظر حقوقی نمی‌توان صفت «ایرانی» را برای آن - به دلیل نبود شخصیت حقوقی - به کار برد. در غیر این صورت، باید استفاده صفت ایرانی برای تمام عقود مذکور در قانون مدنی، نظیر مضاربه، بیع و... و کاربرد ترکیب مضاربه ایرانی، بیع ایرانی و... صحیح باشد، در حالی که تا به حال هیچ یک از حقوقدانها چنین نظری نداده و از چنان ترکیبی استفاده نکرده‌اند.

مضافاً اگر شرکت مدنی - که به امور تجاری اشتغال دارد - مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. باشد (یعنی در حکم شرکت تضامنی تلقی شود)، عقد مضاربه هم - که نوعی شرکت در امور تجاری است - باید مشمول ماده فوق باشد، در این صورت، دیگر عقدی به نام مضاربه وجود نخواهد داشت. به نظر می‌رسد این تعبیر برخلاف موازین شرع و مقررات قانون مدنی ایران است.

آقای دکتر ناصر کاتوزیان که معتقد است «... اگر شرکت مدنی بر مبنای اشاعه تشکیل شود و شغل معمولی خود را انجام «اعمال تجاری» قرار دهد، آن شرکت تجاری است» [۷] و مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. و واجد شخصیت حقوقی [۷] با اینکه عقد مضاربه را، مانند عقد شرکت (به معنی خاص)، نوعی شرکت دانسته است [۷] ولی آن را از شخصیت حقوقی بی‌بهره و متمایز از شرکتهای تجاری (پیش‌بینی شده در قانون تجارت) می‌داند [۷] و در این باره می‌نویسد: «با وجود این، باید دانست که برطبق ماده ۲۲۰ قانون تجارت، مالک و مضارب در برابر طلبکاران مسئولیت تضامنی دارند. ترتیبی که عامل و مالک در پرداخت دیون و تقسیم سود معین کرده‌اند، در رابطه بین آنان محترم است. ولی آنگاه که سرمایه و سود کفاف بدهی شرکت را ندهد، هر دو مسئولیت تضامنی دارند و طلبکاران می‌توانند به دارایی شخصی ایشان نیز رجوع کنند (بخش اخیر ماده ۱۱۶ همان قانون)» [۷].

بدین ترتیب، حقوقدان یاد شده در خصوص رابطه عقد مضاربه و ماده ۲۲۰ ق.ت. نظری داده‌اند که نه با نظر ایشان در خصوص شرکت مدنی که شغل معمولی خود را پرداختن به «اعمال تجاری» قرار داده سازگار است و نه با مقررات قانون مدنی در باب عقد مضاربه. شایان ذکر است که چون شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی است، انتساب «شغل» به اینگونه شرکتها قابل تأمل است.

برخلاف نظر نویسنده مذکور که شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال دارد) و عامل و مالک (در عقد مضاربه) را با دو تعبیر متفاوت مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. دانسته است، معتقدیم که عقود یاد شده خارج از قلمرو ماده ۲۲۰ ق.ت. است و این ماده ارتباطی با عقود مشمول قانون مدنی ندارد.

۴-۵. اگر حکم مذکور در ماده ۲۲۰ ق.ت. - یعنی «شرکت تضامنی» محسوب نمودن شرکتهای متخلف مندرج در آن ماده - را قابل تسری به شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد) بدانیم باید ملتزم شویم که اصطلاح «شرکت ایرانی» مذکور در این ماده علاوه بر اینکه شامل شرکتهای



تجاری احصا شده در قانون تجارت است شامل مطلق «شرکت مدنی» است - اعم از اینکه به امور تجاری یا غیر تجاری بپردازد. با این تفاوت که اگر شرکت مدنی به امور تجاری بپردازد، مشمول حکم ماده مذکور است و اگر به امور غیر تجاری اشتغال ورزد، مشمول این حکم نخواهد بود. به بیان دیگر، نتیجه منطقی تسری حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. به شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد، تسری مفهوم اصطلاح «شرکت ایرانی» به شرکتهای تجاری، شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال دارد و شرکت مدنی که به امور غیر تجاری اشتغال می‌ورزد خواهد بود. یعنی اصطلاح «شرکت ایرانی» شامل انواع شرکتهای تجاری و شرکتهای مدنی است، ولی حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. فقط شامل شرکتهای تجاری که به امور تجاری اشتغال می‌ورزند و شرکتهای مدنی که به کار تجارت می‌پردازند خواهد بود. در نتیجه، شرکتهای تجاری (که به امور تجاری اشتغال نمی‌ورزند) و شرکتهای مدنی (که به امور غیر تجاری اشتغال می‌ورزند) گرچه از مصادیق «شرکت ایرانی» اند، از لحاظ حکم مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. نخواهند بود.

نتیجه التزام اخیر آن است که طبق مواد ۱ و ۱۱ قانون ثبت شرکتهای (۱۳۱۰) و مواد ۱ و ۲۵ نظامنامه قانون مذکور - که ثبت مطلق «شرکت ایرانی» را الزامی دانسته است - ثبت مطلق شرکت مدنی نیز الزامی است. در حالی که، هیچ یک از حقوقدانهای ما - حتی آن عده که شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد) را مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. دانسته‌اند - متعرض این نکته نشده‌اند و رویه هم در ثبت شرکتهای خلاف آن بوده و هست.

شایان ذکر است که پیش از تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از ق.ت. ۱۳۴۷، شرکتهای تجاری اساساً برای اشتغال به امور تجاری تشکیل می‌شدند. بنابراین، منظور ما از عبارت شرکتهای تجاری (که به امور تجاری اشتغال می‌ورزند)، آن دسته از شرکتهای تجاری اند که برای امور تجاری تشکیل می‌شوند ولی هیچ گونه عمل تجاری انجام نمی‌دهند و در این صورت مشمول حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. نمی‌شوند.

۴-۶ در مقام رعایت مصالح و دفع مفاسد، نمی‌توان به گروهی از مالکان که حقوق خویش را در هم آمیخته‌اند [مانند شرکای شرکت مدنی]، بدون دخالت قانونگذار، شخصیت حقوقی اعطاء کرد و شرکا را از مالکیت خصوصی محروم ساخت [۷]. یکی از حقوقدانها حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. را دخالت قانونگذار در اعطای شخصیت حقوقی به شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد) می‌داند [۷]. در حالی که، ما به استناد تحلیلی که از مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق.ت. ارائه دادیم، حکم ماده مذکور را به هیچ وجه دخالت قانونگذار در اعطای شخصیت حقوقی به شرکت مورد بحث نمی‌دانیم. چرا که اولاً قصد قانونگذار مبنی بر چنین دخالتی را احراز نکرده‌ایم. ثانیاً به دلیل اینکه قانون به طور صریح اشاره به اعطای شخصیت حقوقی به شرکت مذکور نکرده است، بسادگی نمی‌توان با فرض شخصیت حقوقی برای اینگونه شرکتهای شرکای آنان را از مالکیت خصوصی محروم ساخت و «اصل احترام به مالکیت خصوصی اشخاص» را نادیده گرفت.

بنابراین، به دلیل مذکور شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد) از قلمرو ماده ۲۲۰ ق.ت. خارج است. اگر چنین نهادی به حال خود واگذار شود و تنها اراده مالکان شریک بر آن حکومت کند، برخلاف گفته برخی از حقوقدانها [۷]، در کار تجارت و حکمت قواعد حاکم بر شرکتهای تجاری خللی وارد نخواهد شد.

چنانچه حقوق مدنی، حاوی تمام مقررات لازم‌الاجرا در این باب نیست و قانون مدنی در زمینه عقد شرکت که یکی از عقود معین محسوب می‌شود متضمن نقاط مبهم متعددی است و پاسخگوی روابط اجتماعی کنونی نیست [۸] یا اگر معتقدیم که اینگونه شرکتهای به شیوه مدنی و بدون سازمانهای منظم اداری تشکیل شده‌اند ولی به کار تجارت می‌پردازند [۷]، باید کوشش کنیم از طریق تفسیر و با استفاده از سایر قوانین و منابع فقهی و بالاخره با پیشنهاد وضع مقررات جدید ابهامات موجود را برطرف کنیم، به نهادهای مشترک در نظام فقهی و نظام حقوقی کنونی (نظیر شرکت مدنی با خصوصیت مورد بحث و مضارب) «سازمان منظم اداری» بدهیم و موارد سکوت قانون مدنی در باب شرکت مدنی، مضارب و... را پر کنیم تا مجبور نشویم به راه‌حلهایی متوسل شویم که در حقوق فعلی ایران خلاف اصل است و اجرای این راه‌حلهای مستلزم حکم قانونگذار است. مسئولیت تضامنی مذکور در ماده ۲۲۰ ق.ت. نه تنها در حقوق مدنی ایران، بلکه در حقوق تجارت ایران هم (به استناد ماده ۴۰۳ ق.ت.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق.ت. که احتمال سه نظر داده شده است [۷]، نظری ترجیح دارد که بدون حکم صریح قانونگذار سنگین‌ترین مسئولیت، یعنی مسئولیت تضامنی، را به دوش شرکای شرکت ننهد. امروزه این نوع مسئولیت، یکی از موانع بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از طریق مشارکت مدنی است.

وانگهی بر مبنای اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در تفسیر و جمع مواد قانون باید راهی را برگزید که با موازین اسلامی منافات نداشته باشد. در این گونه تفسیرها راه حلی ترجیح دارد که نتیجه آن با حقوق اسلام سازگار باشد، و برای مثال برخلاف احکام شرکت مدنی (حتی اگر به تجارت اشتغال ورزد) و مضارب نباشد.

در فقه امامیه تاجر از غیرتاجر تفکیک نشده است و هر دو تابع مقررات واحدی اند. بعلاوه شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی است و تابع اصول و مقررات خاص از جمله اصل مربوط به «طلب مشترک» است.

از آنجا که طبق اصول مسئولیت تضامنی و مسئولیت نسبی، کلیه شرکا مسئول پرداخت تمامی دیون ناشی از کار تجاری‌اند (با تفاوت در میزان مسئولیت هر یک از شرکا) به نظر می‌رسد که هر چند شرکت مدنی (حتی در مواردی که به امور تجاری اشتغال دارد) مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت. نیست، مسئولیت نسبی شرکای آن نسبت به دیون شرکت تا حدودی منافع اشخاصی را که با چنین شرکتهایی وارد معامله می‌شوند، تأمین می‌کند.

۴-۷. در نظام حقوقی کنونی، مشارکت مدنی و عقد مضارب در جامعه بویژه در نظام بانکداری



کشور بسیار رواج دارد: طبق تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ بانکها از پس اندازهای مدت دار در «امور مشارکت»، «مضاربه» و... استفاده می کنند. در آیین نامه فصل سوم قانون مذکور، امور مشارکت به مشارکت مدنی (مواد ۱۸ تا ۲۲) و مشارکت حقوقی (مواد ۲۳ تا ۲۷) تقسیم شده و در ماده ۱۹ آن موضوع مشارکت مدنی به فعالیتهای تولیدی، «بازرگانی» و خدماتی اختصاص یافته است.

با توجه به قانون و آیین نامه مذکور، که مقررات آن از این جنبه با مقررات قانون مدنی منطبق به نظر می رسد، شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می ورزد مشمول مقررات حقوق مدنی ایران است و از شمول ماده ۲۲۰ ق. ت. ۱۳۱۱ خارج است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

تحلیل نتایج حاصل از بررسی پیشینه تاریخی ماده ۲۲۰ ق. ت. ۱۳۱۱، نظر عده ای از نویسندگان حقوق مدنی مبنی بر اینکه شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی است و عدم تعرض غالب آنان درباره شمول حکم ماده ۲۲۰ ق. ت. نسبت به شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال می ورزد)، تجزیه و تحلیل مفهوم و قلمرو ماده مذکور و بالاخره بررسی سایر قوانین و مقررات نشان می دهد که:

۱. همان طور که در بندهای ۳-۳، ۳-۷ و ۳-۹ تشریح شد، نتیجه تحلیل ما از ماده ۲۲۰ ق. ت. ۱۳۱۱، خروج موضوعی شرکت مدنی از این ماده و عدم شمول حکم آن نسبت به مطلق شرکت مدنی است. بدین ترتیب نظر ما مبنی بر خروج مطلق شرکت مدنی از اطلاق و عمومیت ماده ۲۲۰ ق. ت. با یکی از سه احتمالی که آقای دکتر ناصر کاتوزیان نسبت به مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق. ت. داده اند - به شرح مذکور در بند ۲-۶ همین مقاله - منطبق است.

۲. شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می ورزد نیز مانند شرکت مدنی که به امور غیر تجاری می پردازد فاقد شخصیت حقوقی است و هر دو تابع اصول و مقررات حقوق مدنی اند.

این بیان که «اگر شرکت مدنی بر مبنای اشاعه تشکیل شود و شغل معمولی خود را انجام اعمال تجاری قرار دهد، آن شرکت تجاری است» [۷] با مفاد ماده ۱ ق. ت. ۱۳۱۱ سازگار نیست. زیرا شرکت مدنی فی نفسه شخصیت حقوقی ندارد و لذا شخص حقوقی تلقی نمی شود تا پیش از پرداختن به «اعمال تجاری» از مصادیق عبارت صدر ماده ۱ ق. ت. که می گوید «تاجر کسی است که... واقع شود. در شرکت مدنی تمام یا بعضی از شرکا و یا مدیر شرکت (نماینده شرکا) مبادرت به اعمال تجاری می کنند و نه «خود» شرکت مدنی تا بتوان گفت چنین «شخصی» (!) چون شغل معمولی اش را اعمال تجاری قرار داده است پس تاجر است.

ضمناً برای از بین بردن «دوگانگی بین قواعد حاکم بر تاجر پیشه گان» [۷] و اجرای «نظامات خاص» [۷] بر آنها نیازی به توسل به ماده ۲۲۰ ق. ت. نیست. زیرا به نظر ما شرکای شرکت مدنی که به امر تجارت اشتغال دارند طبق مواد ۱ و ۲ ق. ت. تاجرند و مشمول مقررات قانون تجارت می شوند.

۳. هم رابطه بین شرکای شرکت مدنی در درون خود و هم رابطه آنها با اشخاص ثالث تابع قواعد اشاعه و احکام مدنی است. به بیان دیگر، رابطه شرکای شرکت مدنی با اشخاص ثالث مشمول مسئولیت تضامنی مذکور در ماده ۲۲۰ ق. ت. نیست و ماده ۱۱۶ ق. ت. نمی‌تواند مؤید شمول حکم مذکور در ماده ۲۲۰ ق. ت. بر رابطه شرکای شرکت مدنی باشد. زیرا، اولاً مسئولیت تضامنی اشخاص حتی در قانون تجارت خلاف اصل است (مواد ۴۰۳ و ۴۰۴) و برای اجرای آن احتیاج به نص است و در موارد تردید جاری نیست. ثانیاً اگر غرض قانونگذار - آنطور که ادعا شده (۷) - تنها ضامن دانستن شرکای شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال دارد) باشد باید شرکای این شرکت در حکم شریک ضامن تلقی می‌شدند و نه شرکت مدنی در حکم شرکت تضامنی. ثالثاً بخش اخیر ماده ۱۱۶ ق. ت. خاص شرکت تضامنی است که طبق مقررات قانون تجارت تشکیل و واجد شخصیت حقوقی شده است. برای حمایت از حقوق اشخاص ثالثی که طرف معامله این نوع شرکت واقع می‌شوند، قانونگذار مانع شده است که شرکا بتوانند با قراری که بین خودشان می‌گذارند مسئولیت تضامنی خود را در مقابل اشخاص ثالث لوٹ نمایند.

۴. با توجه به قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، مصوب ۱۳۶۲/۶/۸، و آیین‌نامه فصل سوم آن که مقررات آن در باب مشارکت، با مقررات قانون مدنی منطبق به نظر می‌رسد، شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد) مشمول مقررات حقوق مدنی ایران است و از شمول ماده ۲۲۰ ق. ت. خارج است.

۵. برخلاف نظر برخی از حقوقدانها مضارب به نیز مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. نیست.

۶. برخلاف آنچه ادعا شده است، شرکت‌های ثبت نشده (از جمله شرکت‌های عملی) مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. نیستند.

۷. عبارت «هر شرکت ایرانی که در آتیه تشکیل شود» مذکور در صدر ماده ۲۲۰ ق. ت. مصداق خارجی ندارد. همان طور که در بند ۳ - ۶ همین مقاله ملاحظه شد، قانونگذار ۱۳۱۱ از درج این عبارت هدفی داشته که در رسیدن به آن توفیق نیافته است.

در هر حال، در بازنگری قانون تجارت فعلی، ماده جایگزین ماده ۲۲۰ ق. ت. باید به نحوی تنظیم گردد که پاسخگوی سؤالات فعلی و برطرف کننده ابهامات باشد و ضمانت اجرای مدنی و احتمالاً کیفری واحدی برای کلیه شرکت‌های تجاری متخلف نسبت به مقررات قانون تجارت جدید - که در آینده تصویب خواهد شد - پیش‌بینی شود. در اینجا مواد زیر برای کلیه شرکت‌های تجاری پیشنهاد می‌شود:

ماده ۱ - کلیه شرکت‌های تجاری موجود در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون باید ظرف ۳ سال از تاریخ مذکور خود را به صورت یکی از شرکت‌های تجاری احصا شده در این قانون درآورند و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل کنند. در غیر این صورت، منحل شده محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول فصل... این قانون خواهند بود.

تا هنگامی که شرکت‌های تجاری موجود در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ظرف ۳ سال خود را به



صورت یکی از شرکتهای تجاری احصا شده در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نکرده‌اند تابع مقررات قانون تجارت ۱۳۱۱، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷، سایر قوانین و همچنین اساسنامه معتبر خود خواهند بود.

تطبیق وضع شرکت تجاری با مقررات این قانون وقتی محقق می‌شود که مرجع ثبت شرکتهای تجاری پس از احراز صحت تطبیق، مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده، در صورت عدم افزایش سرمایه، شرکت ملزم به پرداخت هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می‌شود.

ماده ۲- در مواردی که برای تطبیق وضع شرکت تجاری موجود (موضوع ماده بالا) با مقررات این قانون، دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده شرکای شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتهای تجاری لازم باشد و رئیس و اعضای هیات مدیره شرکتهای سهامی و یا مدیر یا مدیران سایر شرکتهای تجاری به دعوت مجمع عادی یا فوق‌العاده شرکا یا تسلیم آن اسناد و مدارک به مرجع ثبت شرکتهای تجاری اقدام نکنند، به جزای نقدی از... تا... محکوم خواهند شد و علاوه بر این، متضامناً مسئول جبران خساراتی اند که بر اثر انحلال شرکت به شرکا و اشخاص ثالث وارد می‌شود.

ماده ۳- مرجع ثبت شرکتهای تجاری هر شهرستان موظف است ظرف ۲ سال از تاریخ انقضای مدت مذکور تقاضای صدور حکم انحلال شرکت متخلف و حکم مجازات مدیر یا مدیران متخلف را از دادگاه صالح بنماید.

ماده ۴- دادگاهی که حکم انحلال شرکت تجاری متخلف را صادر می‌کند باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا طبق مقررات نسبت به انحلال و تصفیه امور شرکت اقدام کند.

تبصره: تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که دادگاه تعیین می‌کند به عهده دادگاه است.

ماده ۵- کلیه معاملات و تصمیمات شرکت تجاری متخلف پس از انقضای مدت ۲ سال مذکور، باطل و از درجه اعتبار ساقط است (حتی نسبت به اشخاص ثالث) و مدیر یا مدیرانی که پس از انقضای مهلت مذکور در ماده ۱ مبادرت به معامله یا اتخاذ تصمیم کرده‌اند، علاوه بر مجازات مذکور در ماده ۲، به ۳ ماه تا ۲ سال حبس تعزیری محکوم خواهند شد.

تبصره ۱: هر ذی‌نفع می‌تواند بطلان معاملات و تصمیمات فوق را از دادگاه تقاضا کند.

تبصره ۲: در صورت حکم قطعی بر بطلان معاملات و تصمیمات شرکت، دادگاه صادرکننده حکم بدوی باید نسبت به صدور حکم محکومیت مدیر یا مدیران متخلف اقدام کند.

منابع

- [۱] اعظمی زنگنه، عبدالحمید، حقوق بازرگانی، چ ۴، ۱۳۵۳، ص ۲۰۴-۲۰۵.
- [۲] امامی، سید حسن، حقوق مدنی، چ ۲، ۵، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۵، ص ۱۴۰.

[DOR: 20.1001.1.22516751.1379.4.1.1.9]

٤١

1998

دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹

$\{20-19; 19; 106; 106-105; 7; 29-27, 20-19; 27; 20; 28, 27; 28-27; 29-27; 29, 28, 20$

دوم، سال ۱۳۶۵، ص ۲۸ و ۴۴: ۲۸ - ۲۹: ۹.

[10] Maitland - Walker, Julian, *Guide to European Company Laws*, 2nd ed., London, Sweet & Maxwell, 1997, p. 197 - 198.

